

پیوند بیرونی

خواب سارقان در خودرو مسروقه

گروه حوادث: زن و مردی که بعد از سرقت یک خودرو در آن خوابیده بودند، موقع استراحت دستگیر شدند. «سرهنگ اصلی» فرمانده انتظامی شهرستان کرج در این باره گفت: ماموران حین گشت‌زنی در مهرشهر متوجه خودرو پراپدی شدند که در یکی از خیابان‌ها پارک و روی آن چادری کشیده شده بود. وی افزود: ماموران پس از بازدید از خودرو پراید مشاهده کردند یک مرد و زن داخل خودرو خوابیده‌اند. آن دو هیچ‌گونه مدرکی مبنی بر مالکیت خودرو نداشتند، ضمن اینکه تعدادی از ارقام پلاک خودرو دستکاری شده بود، به همین خاطر دو مظنون به کلاثرتری منتقل شدند. سرهنگ اصلی تصریح کرد: در جریان تحقیقات مسروقه بودن خودرو به اثبات رسید و مشخص شد متهمان اواسط مردامه خودرو را به صورت درست به مقصد کیانمهر کرایه و پس از رسیدن به محل موردنظرشان با پاشیدن گاز به صورت راننده او را از خودرو پیاده کرده و ماشین را به سرقت برده‌اند. فرمانده انتظامی شهرستان کرج متذکر شد: متهمان پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

مزرعه‌دار عصبانی
یک شتر دوکوهان را کشت
یک شتر دوکوهان نادر که نسل آن در خطر انقراض قرار دارد در پی اختلاف صاحب شستر با یک مزرعه‌دار در مشکین‌شهر کشته شد. به گزارش ایسنا این شتر دوکوهانه به قصد خوردن آب وارد حریم مزرعه فرد دیگری شده بود که توسط صاحب مزرعه با داس بلندی موسوم به «درگز» از پای درآمد. بنا براین گزارش هم‌اکنون فقط ۱۷۶ نفر شتر دوکوهان در کشور وجود دارد که از این تعداد ۱۵۶ نفر در استان اردبیل و ۲۰ نفر دیگر در سایر استان‌هاست.

گروه حوادث: خانه‌ای در انگلیس که به خانه جن‌زده شهرت یافته است به فروش گذاشته شد. این خانه که در شهر پورتموث قرار دارد، به مکانی رموز و هولناک تبدیل شده است. صدای زمزمه چند کودک و حرکت مبل‌ها فقط بخشی از خصوصیات این خانه است. این خانه از سوی شورای شهر به مزایده گذاشته شده و شورا امیدوار است آن را به قیمت ۶۰۰ هزار پوند به فروش برساند. این خانه در سال ۱۰۴۲ به شاه ادوارد تعلق داشت و برای بیش از یک قرن پادشاهان انگلستان هم در آن زندگی می‌کردند. شاهدان عینی در سال‌های اخیر گزارش داده‌اند در این خانه موارد عجیبی را دیده‌اند؛ مردی که از درختی در حیاط دار زده شده، زنی که با لباس بنفش در گوشه‌ای از اتاق ایستاده و روح پرستاری که از دستاش خون می‌چکد از جمله این موارد است.

رکورد فروش سیب‌زمینی سرخ‌کرده شکست
یک مرد بلژیکی با تهیه و فروش دو هزار کیلو سیب‌زمینی سرخ‌کرده فرانسوی در مدت ۸۳ ساعت نام خود را در کتاب گینس ثبت کرد. به گزارش خبرآنلاین به نقل از شینهوا کریس ورچورن آشپز معروف اهل کاستلن در ۸۳ ساعت بدون وقفه دو هزارکیلو سیب‌زمینی سرخ‌کرده فرانسوی با سس قرمز درست کرد و به مشتریان فروخت. وی در طول این مدت هرگز نتوانید تا بازرسان گینس از او گزارش تهیه کنند. نام این مرد اکنون در کتاب رکوردداران گینس ثبت شده است.

خبر

پزشکی قانونی اعلام کرد
سلاح سرد در چهار ماهه امسال جان ۲۰۱ نفر را گرفت
یک مقام پزشکی قانونی کشور اعلام کرد در چهار ماهه اول سال جاری، ۴۰۱ نفر بر اثر اصابت سلاح سرد جان خود را از دست دادند.
دکتر بشیر نازپور مدیر کل امور تشریح و بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور در گفت‌وگو با ایسنا گفت: از این تعداد قربانی سلاح سرد ۳۴۳ نفر مرد و ۵۸ نفر زن بودند. نازپور با اشاره به آمارهای موجود افزود: سال گذشته ۹۷۶ نفر بر اثر اصابت سلاح سرد در کشور جان خود را از دست دادند. وی خاطرنشان کرد: سلاجهای سرد شامل اشیای برنده، کند، نافذ و کوبنده است. حال آنچه در بین مردم از آن به عنوان سلاح سرد یاد می‌شود، اجسام برنده نظیر چاقو و اشیای مشابه مثل چکش و شیشه و نظایر آن است که صدمات آنها نیز بسته به نوع سلاح، متفاوت است. در استفاده از سلاجهای سرد دو نوع صدمه و آسیب به وجود می‌آید؛ یک نوع آن ضرب است که شامل صدماتی از قبیل تورم، کبودی، خون‌مردگی، کوفتگی عضلانی و غیره است و نوع دیگر جرح است که شامل صدماتی از قبیل خراشیدگی، ساییدگی، پارگی، بریدگی، جراحات نفوذی و… می‌شود. این مسوول سازمان پزشکی قانونی کشور، با تأکید بر اینکه قصد و نیت ضارب هیچ‌گاه در نظرات کارشناسی دخالت داده نمی‌شود، گفت: در بررسی کارشناسی سازمان پزشکی قانونی، صرفاً آثار، شواهد و عوارض صدمات و آسیب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و بررسی نحوه و انگیزه ضارب یک بررسی قضایی است که توسط قضات صورت می‌گیرد و نظرات پزشکی قانونی در این باره کمک‌کننده است. وی با اشاره به اینکه آمارها رنگ خطری برای مسوولان است که با وضع قوانین محدودکننده، استفاده و دسترسی به سلاح‌های سرد را دشوارتر کنند، یادآور شد: دولت در سال‌های اخیر لایحه ممنوعیت حمل، فروش و توزیع سلاح سرد را به مجلس هفتم ارائه کرد و یک فوریت آن نیز به تصویب رسید و در حال حاضر نمایندگان مجلس هشتم درصدد هستند بار دیگر این لایحه را مورد بررسی قرار دهند که امیدواریم از دل آن قانونی جامع و کامل را که موجب کاهش جرائم ناشی از استفاده سلاح سرد شود به تصویب برسانند.

عملیات ویژه برای انهدام شبکه بزرگ جعل مدارک دانشگاهی

متهمان برای مشمولان نیز کارت پایان خدمت جعلی تهیه می‌کردند

گروه حوادث: دستگیری

شخصی که قصد داشت با کارت پایان خدمت جعلی گذرنامه بگیرد به سرنخی برای شناسایی و متلاشی کردن یک شبکه بزرگ جعل اسناد و مدارک دولتی تبدیل شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل هنگامی که مرد جوانی قصد داشت گذرنامه تهیه کند توسط پلیس دستگیر شد. بررسی‌های ماموران نشان داد کارت پایان خدمت این مرد به نام حسن جعلی است. بنابراین وی به دستور حسینی بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۱۱ تهران برای انجام تحقیقات فنی در اختیار افسران اداره ۱۳ پلیس آگاهی قرار گرفت. متهم درباره چگونگی تهیه کارت جعلی به ماموران گفت: اوایل

سال ۸۷ به طور اتفاقی در خیابان با مردی به نام علی آشنا شدم. او مدعی بود می‌تواند با نفوذی که دارد بدون دردرس برایم کارت پایان خدمت تهیه کند. او گفت اگر دو میلیون تومان به وی بدهم در کمترین مدت کارت پایان خدمتم صادر می‌شود. من که مدت‌ها بود سربازی‌ام را به بهانه‌های مختلف به تأخیر انداخته بودم با پیشنهاد او موافقت کردم. او گفته بود kartی که به من می‌دهد کاملاً قانونی است. چند روز بعد از مذاکرات من و علی کارت به دستم رسید و من هم دو میلیون تومان به او دادم. از اینکه توانسته بودم بدون رفتن به سربازی کارت پایان خدمت بگیرم خیلی خوشحال بودم اما این خوشحالی دوام زیادی نداشت و وقتی برای گرفتن گذرنامه کارتم را ارائه کردم فهمیدم جعلی است. با وجود اینکه اظهارات حسن نشان می‌داد او در دام یک

گروه حوادث: مرد جوانی که برادرزن پنج‌ساله خود را مورد کودک‌آزاری قرار داده بود برعزم انکار اتهامش به حبس محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد که رضا نام دارد متهم است برادرزن پنج‌ساله خود را به نام سعید مورد آزار جسمی و جنسی قرار داده است. اولین گزارش از این کودک‌آزاری را یک سال پیش مادر سعید به دادگاه ارائه کرد. این زن گفت: دامادم سعید را برای نطفه به حمام برده بود که من صدای گریه پسر را شنیدم و به سراغش رفتم اما رضا گفت مساله مهمی نیست. وقتی پسرم از حمام بیرون آمد، متوجه شدم بی‌حال است و او را که سوال پیچ کردم فهمیدم دامادم او را مورد آزار قرار داده است.

با شکایت این زن رضا بازداشت و تحقیقات در این خصوص آغاز شد. متهم در بازجویی‌های اولیه اتهام تعرض به کودک پنج‌ساله را قبول کرد. این در حالی بود که آثار جراحات و کبودی‌های متعدد نیز روی بدن سعید دیده می‌شد. به این ترتیب کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت موتورسیکلت پلیس آگاهی به دستور دادیار شعبه ششم دادسرای ناحیه ۲۷ این محل را به طور نامحسوس تحت نظر گرفتند تا اطلاعات بیشتری به دست بیاورند. در جریان تحقیقات پلیس مشخص شد نهپکاران برای کنترل محل کارشان از چندین دوربین مدارسته استفاده کرده‌اند. به این ترتیب با تکمیل بررسی‌ها ماموران در عملیاتی ضربتی وارد این محل شدند و سه نفر به اسمی حسین، داریوش و مهرداد را بازداشت کردند. ماموران در بازرسی از این محل علاوه بر کشف تنه و اسکلت بیش از یکصد دستگاه موتورسیکلت هوندا ۱۲۵، تعداد زیادی لوازم یدکی موتورسیکلت و همچنین تعداد ۲۵ دستگاه موتورسیکلت بازسازی شده را که آماده ارسال به افغانستان بود، کشف کردند. بازجویی از متهمان درباره این موتورسیکلت‌ها نشان داد آنها را شخصی به نام حسن که در یک پارکینگ کار می‌کند، برایشان تهیه می‌کند. یکی از دستگیرشدگان در این خصوص گفت: حسن در یک پارکینگ که مخصوص نگهداری موتورسیکلت‌های توقیف‌شده است، به

گروه حوادث: دو مرد معتاد که به قتل یک افسر پلیس متهم شده بودند، روز گذشته پس از برگزاری جلسه محاکمه از قتل عمدی تبرئه و به زندان محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما این پرونده آبان سال ۸۵ پس از ناپدید شدن یک افسر نیروی انتظامی به نام مهدی تشکیل شد و تحقیقات نشان داد روز حادثه قرار بود مهدی همراه چند نفر از دوستانش به سفر برود. در حالی که تحقیقات برای یافتن مامور مفقودشده، ادامه داشت پدر این مامور چند روز بعد از گم شدن فرزندش به دادسرای شهربار رفت و گفت: «خودرو من در اختیار مهدی بود و یکی از دوستانم ادعا کرده این اتومبیل را در حالی که شخصی دیگری پشت فرمان نشسته بود، دیده‌ام»

در ادامه دوستان مامور پلیس تحت بازجویی قرار گرفتند و یکی از آنها گفت شسی که با مهدی بودیم همراه او و مردی معتاد به قم رفتیم اما پس از بازگشت دیگر مهدی را ندیدیم. در پی ثبت این اظهارات مرد معتاد به نام مه‌رمان شناسایی و در اولین تحقیقات مدعی شد آن شب در مسیر رفت و برگشت به قم و همچنین در خانه‌اش موادمخدر مصرف کردند که مهدی به همین دلیل فوت شد. مه‌رمان گفت: من از ترس پدر مهدی، جسدش را به همراه دوستم به نام مجید که برای گرفتن مواد مخدر به خانه‌ام آمده بود، به کوه‌های اطراف اشتهازد بردم و در همان‌جا دفن کردم. بعد از پیدا شدن جسد و دستگیری مجید دو متهم در اختیار دادرسی جنایی قرار گرفتند و برایشان قرار منع تعقیب صادر شد اما با شکایت اولیای‌دم، پرونده در دادگاه عمومی مورد رسیدگی قرار گرفت و این بار قضای آنها را متهم به قتل دانست. به این ترتیب پرونده به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع و دو متهم دیروز محاکمه شدند. در ابتدای این جلسه ذبیح‌زاده نماینده دادستان با اشاره به مدارک موجود در پرونده، اتهام مشارکت در قتل عمد و اختفای جسد از سویی متهمان پرونده، مه‌رمان و مجید را محرز دانست و خواستار مجازات آنها شد. اولیای‌دم نیز خواسته خود را

حوادث

عملیات ویژه برای انهدام شبکه بزرگ جعل مدارک دانشگاهی

متهمان برای مشمولان نیز کارت پایان خدمت جعلی تهیه می‌کردند



موزه و رسایل مخصوص من جعل کنندگان متهمان



موزه و رسایل مخصوص من جعل کنندگان متهمان

گرفتم و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام دهند. سهم من در این بین مبلغ اندکی بود و بیشتر پول را دو جاعل می‌گرفتند. در ادامه تحقیقات پلیسی ماموران با اطلاعاتی که علی در اختیارشان گذاشت دو جاعل را در محل کارشان که یک دفتر ثبت شرکت در نزدیکی پارک دانشجو بود، دستگیر کردند. در بازرسی از این محل علاوه بر تعدادی کارت پایان خدمت جعلی، تعداد زیادی مدارک دانشگاهی قا‌بی، عکس‌های زیادی از متقاضیان دریافت مدارک و همچنین دستگاه‌های جعل مدارک و مهرهای مختلف کشف کردند. دو جاعل دستگیرشده به ماموران

گرفتم و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی آغاز شد. تجسس‌های پلیس نشان داد حسن در خانه‌ای استیجاری واقع در منطقه پاسداران پنهان شده است. به

این ترتیب گروهی از ماموران به مخفیگاه وی رفتند اما پیش از حضور پلیس از آنجا گریخته بود. صاحبخانه حسن به ماموران گفت: مدتی قبل حسن خدام را کرایه کرد و در قبال اجاره آن چندین فقره چک به من داد اما با گذشت چند ماه در حالی که همه چک‌ها برناتیم، خورده بود، فهمیدم حسن به طور شبانه خانه را تخلیه



این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی آغاز شد. تجسس‌های پلیس نشان داد حسن در خانه‌ای استیجاری واقع در منطقه پاسداران پنهان شده است. به این ترتیب گروهی از ماموران به مخفیگاه وی رفتند اما پیش از حضور پلیس از آنجا گریخته بود. صاحبخانه حسن به ماموران گفت: مدتی قبل حسن خدام را کرایه کرد و در قبال اجاره آن چندین فقره چک به من داد اما با گذشت چند ماه در حالی که همه چک‌ها برناتیم، خورده بود، فهمیدم حسن به طور شبانه خانه را تخلیه

تبرئه دو معتاد از اتهام قتل افسر پلیس

قصاص متهمان عنوان کردند. سپس مه‌رمان در جایگاه قرار گرفت و با بیان اینکه فقط اتهام مخفی کردن جسد را قبول دارد، گفت: شسی که مهدی به همراه دوستانش به خانام آمد، از من خواست مقداری حشیش با خودم بردارم تا در مسیر قم مصرف کنند. او و دوستانش در مسیر رفت و برگشت، مواد مخدر مصرف کردند. پس از رسیدن به تهران دوستان مهدی از ما جدا شدند اما خود او خواست به خانه من بیاید تا کراک بکشیم. مه‌رمان در ادامه گفت: آن شب حدود یک ساعت کراک مصرف کردیم تا اینکه حال مهدی بد شده؛ هرکاری کردم نتوانستم او را مداوا کنم، در همین اثنی مجید آمد و به همراه او به ملارد رفتم تا دکتری را به خانه بیاوریم اما پزشک از آمدن به خانه امتناع و فقط نسخه‌ای تجویز کرد و ما سرم را به مه‌رمان بردیم و بعد از اینکه او به وصل کردیم، حالش بدتر شد. این بار تصمیم گرفتیم مه‌رمان و مجید را بیمارستان برسانیم، اما مهدی قبل از رسیدن به بیمارستان فوت شد. ما هم

گفتند مشتریان ما اغلب کسانی بودند که قصد داشتند در مناقصه یا مزایده‌های دولتی شرکت کنند و برای این کار به مدارک دانشگاهی مرتبط احتیاج داشتند. آنها با پرداخت میلیونی به ما سفارش مدارک عالی دانشگاهی می‌دادند و ما هم در کمترین زمان مدارک آنها را جعل می‌کردیم. تحقیقات درباره این باند جعل در حالی ادامه داشت که در جریان بررسی‌ها، پلیس از ارتباط چند شبکه جعل دیگر با این گروه پرده برداشت. به این ترتیب کارآگاهان چند هتهم دیگر را در این خصوص شناسایی و دستگیر کردند. تحقیق درباره جاعل اصلی گروه به نام مازیار نشان داد وی فارغ‌التحصیل رشته مهندسی و یکی از مهندسان احداث ساختمانی در سادات‌آباد است که دو

سال پیش فرو ریخت و ۱۷ نفر زیر آوار آن جان باختند. سرهنگ عباسعلی محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر گفت: در پرونده‌های جعل گناه و تقصیر فرد متقاضی مدارک جعلی کمتر از فرد جاعل نیست و اگر افرادی متقاضی مدارک جعلی نباشند، هیچ جعلی نیز انجام نخواهد شد. البته گاهی نیز جاعلان از بی‌اطلاعی و ساده‌لوحی افراد سوءاستفاده می‌کنند و هنگامی که پلیس وارد ماجرا می‌شود به اشتباه‌شنان بی می‌برند. سرهنگ محمدیان خاطرنشان کرد: پس از شناسایی و متلاشی شدن این شبکه، کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی برای شناسایی کامل این گونه دفاتر تلاش‌های گسترده‌ای را انجام دادند و به نتایج مثبتی دست یافتند.

این زن ادامه داد: بعد از اینکه توانستم تحت پوشش کمیته قرار بگیرم و برای خودم درآمدی داشته باشم، تلاش زیادی کردم و پسرم را به خانه بازگرداندم و تعهد دادم از او مراقبت کنم و اجازه ندهم آسیب ببیند. در این

مدت هر کاری که از دستم برمی‌آمد برای پسرم کردم. وی در مورد اینکه چطور دامادش کودکش را تک زده است، گفت: من جایی برای ماندن نداشتm و با داماد دخترم زندگی می‌کردم. دامادم هم به من گفته بود دیگر سعید را آزار نمی‌دهم. به محض اینکه متوجه شدم سعید باز هم آسیب دیده و عامل این آزار دامادم است به پلیس خبر دادم. بعد از تکمیل تحقیقات رضا پای میز محاکمه رفت. وی گفت: اتهام تعرض را قبول ندارم. من این کار را نکردم و آثاری که روی بدن سعید وجود دارد به خاطر سر خوردن در کف حمام است. با این حال دفاعیات مرد جوان کارساز نبود و هیات قضات شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران پس از شور متهم را به تحمل دو سال حبس و پرداخت دیه محکوم کردند.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در

سطح شهر جوان‌هایی را که متقاضی دریافت کارت پایان خدمت بودند، شناسایی می‌کردم و با گرفتن مدارکشان آنها را به مهدی و فرهاد می‌دادم تا آنها کار جعل را انجام

شدند این کودک یک سال قبل از این حادثه در بهزیستی زندگی می‌کرد و به تازگی مادرش او را تحویل گرفته بود. زمانی که این زن در مورد سرنوشت پسرش مورد سوال قرار گرفت، گفت: ما خیلی فقیر بودیم و به خاطر شرایط بد خانوادگی که داشتیم سعید مرتب آزار می‌دید تا اینکه یک روز از طرف بهزیستی با حکم قضایی به سراغ من آمدند و بچه را گرفتند. بعدها متوجه شدم همسایه‌ها گزارش داده و گفته بودند سعید مرتب مورد آزار قرار می‌گیرد. من خیلی تلاش کردم پسرم را پس بگیرم اما نتوانستم. آنها می‌گفتند باید اطمینان پیدا کنند من دیگر با سعید بدرقتاری نخواهم کرد. البته من او را نمی‌زدم و بیشتر خواهر و شوهرخواهرش او را تک می‌زدند. سعید پسر بازیگوشی بود و این بازیگوشی دیگران را آزار می‌داد.

به این ترتیب جست‌وجوهای پلیس برای دستگیری وی

گرفت و به خریدار فروختم. وی ادامه داد: من با تردد در